



کاشی‌های زرین فام ستاره‌ای و چلیپا متعلق به گروهی از ۱۶۰ کاشی که جایگاه اصلی آنها امامزاده یحیی در ورامین بوده و بین اکتبر و دسامبر ۱۳۶۲ / محرم ۱۳۶۱ - ۶۶۱ ساخته شده‌اند.

درنیاورد. به این ترتیب سبک‌ها و تکنیک‌های مشابه همچنان ادامه و در کاشی‌کاری بعد از تهاجمات مغول به کار گرفته شدند و در شکل‌های جذاب‌تری در کاشی‌ها و ظروف‌هایی - که اصطلاحاً ظروف‌های سلطان آباد نامیده می‌شدند توسعه یافتند. از حدود سال ۱۲۷۰/۶۶۹ آثاری تولید شدند که با به‌کارگیری نقشمایه چینی در مقایسه با نمونه‌های اولیه قابل توجه‌تر و بارزتر بودند.<sup>۴</sup> بی‌شک یکی از سفالگران نخبه‌ی این خاندان یوسف بن علی بن محمد بن ابی‌طاهر است. امضای او بر محراب امامزاده یحیی در ورامین به سال ۷۰۵ هـ / ۱۳۰۵ م. دیده می‌شود. در کتاب هنر و معماری اسلامی آمده است که:

امضای او بر محراب امامزاده یحیی در ورامین و کاشی‌های افریزی به سال ۷۰۹ - ۱۳۰۹/۷۱۰ - ۱۳۱۰ (موجود در موزه بریتانیا و موزه قاهره) و محراب بزرگی به تاریخ ۱۳۳۴/۷۳۵ نقش بسته است؛ این محراب متعلق به داربهبشت قم و در موزه ایران باستان تهران محفوظ است. او و سایر سفالگرانی که سفالینه‌های لعابدار صدفی تولید می‌کردند، در فنون دیگر سفال‌سازی هم سرآمد بودند چرا که امضای او بر کاشی قالبی با رنگ آبی و سیاه زیر لعابی در کتیبه‌ی پایه مسجد قلعه در روستای قهرود، در حومه کاشان، نقش بسته است. یوسف حرفه خود را از پدرش به ارث برد (و پدرش، هم اوست که محراب‌هایی با سفال‌های زرین فام را در فاصله سال‌های ۶۴۰ و ۶۶۴/۱۲۴۲ و ۱۲۶۵ امضا کرده است) اما برادران او پیشه‌های دیگری فراگرفتند. یکی از برادران او به نام عزالدین محمود به خانقاه سهروردیه پیوست و عارف شد و او را در مجمع تدفینی عبدالصمد در نطنز به خاک سپردند. برادر دیگر او جمال‌الدین ابوالقاسم عبدالله، کاتب و مستوفی دیوان دربار شد. او شرح حالی از سلطان اولجایتو و رساله‌ای در باب احجار کریمه و معادن پرداخت که یکی از منابع عمده سفالگری در تاریخ ایران در سده‌های میانه است.<sup>۵</sup> او در این رساله اطلاعاتی درباره مصالح و مواد سفالگران، اماکن

لحاظ تناسب رنگ‌ها و کلمات و حروف برجسته بر قطعات بزرگی از کاشی‌های مینایی و نقش آفرینی‌هایشان به شکل برجسته یا مسطح که بر متن کاشی به وجود آمده‌اند، فوق‌العاده است، یا قوت<sup>۲</sup> از شهر کاشان به دلیل کاشی‌های مینایی که در آنجا ساخته می‌شود، به نیکی یاد کرده و به صدور سفال از کاشان اشاره می‌کند. و نیتاپورتر ضمن اشاره به اوج صنعت کاشی‌کاری در بین سده‌های ششم تا هشتم هجری قمری، امضاهای تعداد زیادی از سفالگران معروف را شاهدهی بر این امر می‌داند و به امضا مشهورترین آنها یعنی خاندان ابوطاهر اشاره می‌کند که نام خود را بر کاشی‌ها و ظروف امضا می‌کردند، چنان‌چه می‌گوید:

بعضی از آنان نسبت (محل زندگی) خود یعنی کاشان را نیز اضافه می‌کردند و در کنار امضاءشان با صراحت آن را می‌نوشتند. به عنوان مثال، در یک نمونه کاشی که در موزه بریتانیا موجود بوده و تاریخ آن ۱۳۳۹/۷۳۹ است [نام این خاندان به چشم می‌خورد]. در آن زمان این خاندان در کاشان اقامت داشتند.<sup>۲</sup>

وی در اشاره به حفاری‌های نا منظم انجام شده در کاشان به یافته‌های ناشی از این حفاری‌ها اشاره و می‌نویسد:

قطعات فراوانی متعلق به این دوره موجود بوده که دارای تاریخ‌اند و اولین نمونه شناخته شده، یک پارچ کوچک موجود در موزه بریتانیا بوده که تاریخ آن (۱۱۸۰ - ۱۱۷۹/۵۷۶ - ۵۷۵) است. تاریخ کاشی‌های باقی مانده نشان می‌دهد که تولید کاشی در کاشان پس از ۵۹۷/۱۲۰۰ - تا دهه‌ی ۷۳۱/۱۳۳۰ تقریباً بی‌وقفه ادامه یافته است.

تهاجم مغول موجب رکودی کوتاه در صنعت کاشی کاشان شد، در نتیجه کاشی‌هایی که بین سده‌های ۶۴۱/۱۲۴۳ و ۶۵۳/۱۲۵۵ ساخته شده باشند، وجود ندارند. اما همه‌ی این ویرانی‌ها و حملات به سفالگران افراسیاب - شهر قدیمی سمرقند در آسیای مرکزی - یا شهر راقه در فرات، آنان را از پای

# هنر کاشی و محراب

مینوسلیمی



ایران به شمار می‌رفت. اگرچه فعالیت‌هایی در زمینه سفالگری در دیگر سده‌های میانی ایران

نیز وجود داشته اما مدارک گویای آن است که کاشان از موقعیت بی‌نظیری در فاصله‌ی قرن ششم تا هشتم هجری قمری در صنعت کاشی‌کاری برخوردار بوده است.

نقش کاشی و ترکیب ساخت آن در اواخر قرن ششم در کاشان به گونه‌ای بود که از کاشی‌های ادوار قبل از خود متمایز می‌نمود. همین امر باعث شد کاشی‌سازان شهرهای دیگر، از طرح و نقش کاشی کاشان استفاده کنند، اما در عمل نتوانستند کاشی‌هایی به لحاظ رنگ و ساخت همپای کاشی‌های کاشان بسازند. هنر کاشی‌سازی در کاشان اعتبار خود را به خصوص در ابتدای قرن هفتم، مدیون خاندان ابی‌طاهر کاشانی است؛ خاندانی که کاشی را به شکل و شیوه‌ای خاص در قالب‌هایی بزرگ ابداع کردند. در کتاب شاهکارهای هنر ایران<sup>۱</sup> به این کاشی‌ها و نوآوری و طرز ساخت زیبایی آنها و صدور این آثار به تمامی بلاد ایران اشاره می‌شود. آثار این خاندان هنرمند به صورت محراب کاشی برخی از مساجد - که بیشتر این محراب‌ها نیز در جای خود نیستند - و پوشش قبور متبرکه بعضی از ائمه اطهار علیه السلام و امام‌زادگان ارائه شده است. آثار زیبایی این خاندان را تا اواسط قرن هشتم می‌توان دید. این آثار به

هنر اسلامی در تلفیق با هنر ساسانی هنری نورا به وجود آورد. در اوایل اسلام، آجر، این عنصر زیربنایی،

با انعطاف‌پذیری خود داخل و خارج بناها را زینت می‌داد. اما دیری نپایید که کاشی جایگاه خود را پیدا نمود، چنان‌چه در دوره صفویه زینت بخش داخل و خارج بنا شد و هم در این زمان بود که انشعاباتی از کاشی‌کاری جدا و کاشی‌کاری به اوج خود رسید. یکی از انواع زیبای کاشی‌های تزئینی در بناهای دوره اسلامی، بی‌شک کاشی‌های طلایی یا زرین‌فام است که در اندازه‌ها و اشکال ستاره‌ی هشت پر، شش‌پر، صلیبی، چهارگوشه، هشت ضلعی و یا دایره و غیرهندسی در کنار کاشی‌های کتیبه‌ای به کار رفته است. در این میان کاشی‌های کارگاه‌های کاشان، از شاخص‌ترین، زیباترین و فراوان‌ترین نمونه‌ها به شمار می‌رفت.

با اینکه موج حملات مغول در اوایل قرن هفتم به استان‌های غربی ایران به رکود ناگهانی و نزول کمیت و کیفیت تولید سفال منجر شد، اما این هنر همچنان تداوم یافت.

در این دوره کاشان را می‌توان از مراکز مهم تولید ظروف لعابدار صدفی دانست؛ فنی که توسط خانواده‌های هنرمند این شهر نسل به نسل منتقل گردید. کاشان مرکز عمده‌ی سفالگری و کاشی‌کاری نفیس در بخش مرکزی





یکی از دست‌آوردهای مهم سفالگران کاشان، خلق محراب‌های بزرگ بوده که با کاشی‌هایی به شکل‌های مختلف ساخته شده‌اند. یکی از با شکوه‌ترین این محراب‌ها که اکنون در موزه اسلامی برلین می‌باشد، متعلق به مسجد میدان کاشان است که به وسیله حسن بن عرب شاه امضا شده و تاریخ (۶۲۴/۱۲۲۶) را در بردارد که مشابه مقبره امام جلال‌الدین علی بوده و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود و دارای تزیینات متراکم و انبوه است

الاطیاب ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد بن ابی طاهر القاشانی مورخ و دانشمند است که این اثر را در سال ۷۰۰ هجری قمری تألیف کرده است. وی در این کتاب و در فصلی به هنر کاشی‌سازی و مواد اولیه دوازده‌گانه آن و معادن این کاشی‌ها اشاره می‌کند که به لحاظ نام مواد دوازده‌گانه و روشی که مؤلف به کار گرفته قابل اهمیت است. در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:

اول - حجر مهاست که به عربی عصاه گویند و به اصطلاح صنّاع شکر سنگ، و آن سنگی است سفید صافی مشعشع، از بلور در صفا فروتر، و از مرمر سفید صافی‌تر، در غایت صلابت، که ازو اخگر بسیار از مقدحه فرو آید. و معادن آن در مواضع بسیار باشد. و از بلور همان فایده حصاة حاصل آید، مگر آنکه بلور عزیز الوجود است و کمتر یافت شود از بهر آن، آن را استعمال نمی‌کنند و مشابه مها دیگر سنگ‌ها باشند و نوعی از آن را صاشکنه خوانند و آن بیشتر پاره‌های بزرگ باشند و به صفا و جوهر از شکر سنگ کمتر بود، و در بیشتر مواضع از این سنگ یافت شود، پنجم شخار باشد که آن را قلیله گویند به اعتبار آن که اشنان به حد کمال نمونه سپیده آن را خالص بسوزانند. به غیر آنکه به شوره مختلط باشد چه آن مانند اشنان است و بهترین شخار آن باشد که چون بشکنند میانش سرخ فام تیزبوی بود.

ششم - سنگ لاجورد است که به اصطلاح، صنّاع سلیمانی گویند. معدن او بر قریه قمسراست در کوه‌های ظاهر کاشان و به زعم ایشان از مستخرجات سلیمان النبی است علیه السلام، و آن مانند نقره طلعم درخشنده بود در غلاف سنگی سیاه که ازو لون لاجورد آید مثل آبگینه و غیره. و نوعی دیگر از زمین فرنگستان می‌آورند خاکستر رنگ نرم. و نوعی سرخ رنگ در معدن بر اطراف سنگ‌ها ترشح می‌کند مشابه پوست سرخ ظاهر فستق، آن به غایت قوت باشد، اما سم مهلک و زهر قاتل است.

نهم - گلی است سفید لزج به قوت، و اگر چه در هر موضع باشد اما سفید کمتر بود. و کاشانی سفید و به قوت تمام بود و صنّاع آن را ورکانی و لوزی گویند منسوب به دیهی و لوزیان. و ازو نوعی است مانند برف سفید که معدن آن در کوه‌های نایین باشد از نواحی اصفهان که به حصّ بیامیزند و خانه‌ها بدان سفید کنند.

دهم - جوهری که از فلزات سبعة مقوله می‌شود و یکی از آن جوهر قلعی است که آن را رصاص گویند و در دیار فرنگستان به صورت پاره‌ها ریخته باشند مخدوم به ختم فرنگان. و بعضی از دیار چین آورند پاره‌های بزرگ، و بعضی از حدود بلغار تنگ مثل اوراق صفائح کاغذ در میان یکدیگر نهاده و آن، بهترین اجناس قلعی است.

یازدهم - جوهر اسرب است، و آن در بسیار مواضع موجود باشد مثل کرمان، یزد، روم و بلغاری که آن پاره پاره باشد و بهترین انواع اسرب است. چه جوهرش به غایت سپید بود. و کمترین همه رومی و ازو مردا سنگ و اسرنج سرخ و زرد و سفیداب نقاشان به عمل حاصل آید.

دوازدهم - نحاس معرق و توپال مس باشد و بهترین همه سرخ سبز فام نرم آهنگ بود، که از او لون سبزی متولد می‌شود و همچنین توپال حدید محرق که از او لون زردی خیزد در آتش.

بی‌تردید خاندان ابوطاهر کاشانی از بی‌نظیرترین آفرینندگان محراب‌های زرین فام به شمار می‌روند. دسته‌ای از این آثار، مربوط به این خاندان و بخشی دیگر نیز ساخته‌ها و آفریده‌های شاگردان آن خاندان است. از جمله اعضای این خاندان می‌توان از ابی طاهر بن محمد نام برد، کاشی‌ساز و کاشی‌نگار



کاشی‌های زرین فام متعلق به محل اصلی خود، حرم (امام رضا) در مشهد، نشان می‌دهند که چگونه کاشی‌های کتیبه‌ای و ستاره‌ای با هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

ونیتاپورتر ضمن اشاره به اوج صنعت کاشی‌کاری در بین سده‌های ششم تا هشتم هجری قمری، امضاهای تعداد زیادی از سفالگران معروف را شاهدهی بر این امر می‌داند و به امضا مشهورترین آنها یعنی خاندان ابوطاهر اشاره می‌کند که نام خود را بر کاشی‌ها و ظروف امضا می‌کردند

در کاشان و علاقه‌مندی پژوهشگران غربی به آنها به واسطه‌ی وجود این کتیبه‌هاست.

در مورد کاشی‌های کتیبه‌دار اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم پورتر به یک خصوصیت استثنایی اشاره می‌کند، به خصوص در مورد کاشی‌های مربوط به تخت سلیمان یا مقبره عبدالصمد در نطنز می‌گوید:

این کاشی‌ها به سه قسمت تقسیم شده‌اند: بخشی در مرکز و معمولاً دربرگیرنده‌ی کتیبه‌های قالبی برجسته‌ای به صورت قرآنی یا دارای ویژگی غیرمذهبی بوده و به رنگ آبی کبالتی یا فیروزه‌ای انتخاب و شبیه کاشی‌های به کار رفته در مشهد، حاشیه بالایی آنها با نقش‌های گیاهی قالبی تزیین شده‌اند؛ در حالی که بخش باریک پایین شامل حاشیه‌ای با خطوط مورب، شبیه به یک کتیبه است.

پورتر ادامه می‌دهد که: یکی از دست‌آوردهای مهم سفالگران کاشان، خلق محراب‌های بزرگ بوده که با کاشی‌هایی به شکل‌های مختلف ساخته شده‌اند. یکی از باشکوه‌ترین این محراب‌ها که اکنون در موزه اسلامی برلین است، متعلق به مسجد میدان کاشان است که به وسیله حسن بن عرب شاه امضا شده و تاریخ (۶۲۴/۱۲۲۶) را دربردارد که مشابه مقبره امام جلال‌الدین علی بوده و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود و دارای تزیینات متراکم و انبوه است. کاشی‌های زرین فام با آثار کم رنگ آبی و فیروزه‌ای، کتیبه‌ها را نمایان‌تر ساخته است.<sup>۷</sup>

نور و درخشندگی کاشی‌های زرین فام به ویژه در محراب‌های ساخته شده توسط خاندان ابی‌طاهر، لعاب به کار رفته در کاشی‌ها، و کلمات و حروف برجسته آنها را به شکل تابلویی زیبا نشان می‌دهد. از طرفی وجود معادن مواد اولیه مرغوب در اطراف کاشان، درخشش و ثبات کار این خاندان را به همراه داشته است. معدن لاجوردی در قصر کاشان به لحاظ مرغوبیت و رنگ آنچنان بوده است که چینی‌های سنگ لاجورد این معدن را به چین می‌برده‌اند و در چین به نام آبی محمدی معروف بوده است.

یکی از منابع معتبر و قدیم‌ترین ماخذی که می‌توان در شناخت هنر کاشی‌سازی و معادن آن مورد توجه قرار داد بی‌تردید کتاب عرایس الجواهر و نقایس



آنها و چگونگی تهیه، کوره‌پزی، لعابینه کردن و زربینه ساختن و مینا کاری آنها ارائه داده است.<sup>۸</sup>

کاشی‌سازان این دیار چنان مهارتی پیدا کرده بودند که قطعه‌های بزرگی از خشت‌های قالب گرفته را به کوره می‌بردند و با حرارت‌های معین و به دفعات برای هر کدام از رنگ‌های لعابی، این عمل تکرار می‌شد. در بعضی اوقات نیز که رنگ‌های لعابی تشکیل دهنده‌ی کاشی‌ها به هفت رنگ می‌رسید، هفت بار برای هر رنگ به کار رفته، وارد کوره می‌شد. در حالی که در گذشته از فن پخت کاشی در قالب بزرگ خبری نبود. بیشتر کاشی‌های تولید شده در کاشان به مقابر بر جای مانده، به خصوص بناهایی که متعلق به شیعیان بود اختصاص داشتند، به ویژه در زمان حکومت ایلخانان مغول که شیعیان در انجام فرائض مذهبی از آزادی قابل توجهی برخوردار بودند که مقابر مهم شیعه در نجف، مشهد، قم و کاشان که از شهرهای مهم شیعه به شمار می‌رفتند گویای آن است.

مدارک نشان می‌دهد که کاشی‌های تولید شده در قرن هفتم از دو نوع نقوش پیکره‌ای و غیرپیکره‌ای استفاده کرده‌اند و بیشتر آنها دارای کتیبه‌هایی به خط نسخ در اطراف حاشیه کاشی بوده و اشعار فارسی و آیاتی از قرآن را در بر می‌گرفتند. از طرفی وجود تعداد انبوهی از کاشی‌های زرین فام یافت شده

کاشی مستطیل شکل، خمیر سنگ و لعاب سفید شفاف با فیروزه‌ای و آبی و زبر لعابی. کتیبه‌ی قالبی قرآنی آن مربوط به سوره ناس، آیه ۹ می‌باشد.

اما در حاشیه چهارم که به خط کوفی آمده است این آیات را می‌خوانیم:  
أَمَّا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ  
الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۵۵) وَمَنْ يَقُولِ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ  
أَمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (۵۶)  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا  
مِنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرِ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۵۷) وَإِذَا أَنَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا  
هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (۵۸) قُلْ يَا أَهْلَ  
الْكِتَابِ هَلْ تَنْقَمُونَ مِنَّا.

همچنین آیاتی از کلام الله مجید به خط ثلث در داخل نقش سنگ محراب نمای محراب آمده است:

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلِكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱) الَّذِي  
خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْغَفُورُ (۲) الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طَبَاقًا مَاتَرَى فِي خَلْقِ  
الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (۳) ثُمَّ  
ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ  
(۴) وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا  
لِلشَّيَاطِينِ وَاعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵) وَالَّذِينَ كَفَرُوا  
بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۶).  
صدق الله العظيم.

در سه طرف مستطیلی که داخل کتیبه‌ی چهارم قرار دارد، کتیبه‌ی پنجم را می‌توان ذکر کرد که به خط ریز نسخ و شامل آیاتی از قرآن مجید است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ  
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۹) دَعْوَاهُمْ  
فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ تَحْتِهِمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجَهُمْ مِنْهَا  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰) وَلَوْ يَعْجَلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ  
اسْتَعْجَلَهُمْ بِالْخِيولِ لَقَضَى إِلَيْهِمْ أَجْلَهُمْ فَنَذَرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ  
لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۱) وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضَّرَّ  
دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا وَقَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضَرَّهُ.

در زیر مربع مستطیل کتیبه‌ای دیده می‌شود با این مضمون:

کتبه و عمله محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسن

در اطراف و پهلوهای مرقد مطهر حضرت معصومه (س) هفت ردیف کتابه و کاشی کاری دیده می‌شود، که در ردیف اول و سوم شامل آیاتی از سوره مبارکه یس می‌باشد که با خط طلائی در زمینه سفید آمده است. در ردیف دوم نیز به بانی آن اشاره می‌شود.

امر بترکیب هذه الكتابه العبيد الضعيف الفقير الى  
(الله) و غفرانه المظفرين احمد بن اسمعيل بن محمود  
ابتغاء لمرضاة الله عليه و عليهم اجمعين اللهم اغفر  
للمؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات الاحياء  
منهم و الاموات برحمتك يا ارحم الراحمين كتبه ابوزيد  
في الثاني من رجب سنة ۶۰۲.

در ردیف چهارم، ترکیبی از کاشی‌های هشت ضلعی و ستاره‌ای هشت پر

دیده می‌شود که در تمامی حاشیه‌های آن آیاتی از قرآن مجید و احادیث نبوی و کلمات قصار حضرت علی (ع) نوشته شده است. همچنین بر برخی از حاشیه‌ها اشعار فارسی هم وجود دارد. طرح‌های کاشی‌ها با یکدیگر متفاوت است. در ردیف پنجم نیز سوره انسان به خط طلائی قهوه‌ای در زمینه‌ای سفید دیده می‌شود. ردیف ششم نیز خط درشت لاجوردی بر زمینه طلائی است و این آیات بر روی آن وجود دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم

امن الرسول بما انزل اليه من ربه و المؤمنون كل بالله  
و ملئكة و كتبه و رسله لا تفرق بين احد من رسله و قالو  
سمعنا و اطعنا غفرانك ربنا و اليك المصير (۲۸۵)  
لا يكلف الله نفساً الا وسعها لها ما كسبت و عليها ما اكتسب  
ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا و لا تحمل علينا اصرأ  
كما حملته على الذين من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة  
لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولينا فانصرنا على  
القوم الكافرين (۲۸۶) صدق الله العظيم و صدق رسوله  
الكريم و نحن على ذلك من الشاهدين كتبه ابوزيد.

ردیف هفتم نیز مانند ردیف پنجم باریک و به خط طلائی قهوه‌ای در زمینه‌ای سفید آیاتی از سوره مبارکه الرحمن دیده می‌شود. چهار طرح محرابی نیز در چهار گوشه مرقد مطهر دیده می‌شود که احادیث نبوی بر آنها نوشته شده است. و در یک گوشه رقم کتیبه علی بن محمد بن ابی طاهر آمده است. و همان گونه که گفته شد از آثار او محراب امام زاده یحیی ورامین به تاریخ ۶۶۳ هـ.ق. که در موزه بریتانیاست. از دیگر آثار او می‌توان محراب امام زاده حبیب بن موسی (ع) به تاریخ ۶۷۰ هـ.ق. (موزه ایران باستان)، محراب مسجد قم (موزه برلین) و محراب مرقد مطهر حضرت رضا (ع) به تاریخ ۶۴۰ هـ.ق. یاد کرد.

اگر بخواهیم به شاگردان این خاندان اشاره کنیم می‌توان از ابوزید کاشانی، حسن بن عربشاه نقاش، محمود بن عبدالله، علی حسینی، جمال



و بر متنی گل و بوته دار طلائی، صلوات کبیر است و آمده:

اللهم صلّ على المصطفى و المرتضى و البتول و المجتبی  
الحسن و الحسين الشهيد و السجّاد و الباقر و الصادق و  
الكاظم و الرضا و التقی و النقی و الرّكی العسکری و الامام  
المنتظر المهدي صلوات الله عليهم اجمعين و اصحابه  
الغرا الراشدين اللهم و ال من والا هم و عاد من عادهم و  
انصر من نصرهم و اخذل من خذلهم و العن من ظلمهم و  
عجل فرجهم و اهلك اعدائهم اللهم احتونا مع ال طه و  
يس بمحمد و الاثمه الهادين.

در کتابه حاشیه دوم که آیه‌الکرسی است و دور می‌گردد می‌آید:

بسم الله الرحمن الرحيم

الله لا اله الا هو الحی القيوم لا تاخذه سنة و لا نوم له ما فی  
السموات و ما فی الارض من ذلّی یشفع عنده الا باذنه  
یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه  
الا بما شاء و سع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده  
حفظهما و هو العلی العظیم (۲۵۶). لا اکره فی الدین قد  
تبیین الرشد من العی فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد  
استمسک بالعره الوثقی لا انفصام لها و الله سمیع علیم  
(۲۵۷) الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی  
النور و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور  
الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون  
(۲۵۸).

کتابه حاشیه سوم به خط نسخ ریز و دور می‌گردد. در ابتدای کتیبه و از

سمت راست داریم:

بسم الله الرحمن الرحيم الصّابرين و الصّادقین و القانتین  
و المنفقین و المستعفرین بالاسحار.

در سمت چپ آمده است:

الله و من ابتن و قل للذین اوتو الكتاب و الامین ء اسلمتم فان اسلموا فقد  
اهدتوا و ان تولوا فانما علیک البلاغ و الله بصیر بالعباد (۲۰).

و در حاشیه پایین:

یعلمه الله و یعلم ما فی السموات و ما فی الارض و الله علی  
کل شیء قدير (۲۹) یوم تجدکل نفس ما عملت من خیر  
محضراً و ما عملت من سوء تودّ لو ان بیننا و بینه امدأ بعید و  
یحذرکم الله نفسه و الله رؤف بالعباد (۳۰) قل ان کنتم  
تحبّون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله  
غفور رحیم (۳۱) قل اطیعوا الله و الرسول فان تولوا فان الله  
لا یحب الکافرین (۳۲) ان الله اصطفى ادم و نوحاً و ال  
ابراهیم و ال عمران علی العالمین (۳۳) ذریة بعضها من  
بعض و الله سمیع علیم (۳۴).

در حاشیه‌ی سمت راست نیز چنین آمده است:

قال رب اجعل لی ایه قال اتیک الا تکلم الناس ثلثه ایام الا  
رمزاً و اذکر ربک کثیراً و سبّع بالعشی و الابکار، صدق الله  
العظیم.



معاصر سلطان محمد خوارزمشاه که از آثار او می‌توان در حرم حضرت  
معصومه ۶۰۲ هـ. ق. و حرم امام رضا (ع) به تاریخ ۶۱۲ هـ. ق. یاد کرد. از  
دیگر مبتکران کاشی زرقام می‌توان به ابی طاهر علی بن محمد اشاره کرد  
که از آثار او یکی محراب امام زاده یحیی و رامین به تاریخ ۶۶۳ هـ. ق. است  
که هم اکنون در موزه متروپولیتن و کتیبه‌ای به تاریخ ۷۰۹ هـ. ق. که در موزه  
بریتانیا وجود دارد. همچنین می‌توان از ابی طاهر، یوسف بن علی بن  
محمد یاد کرد که از مبتکران کاشی زرقام بوده و در نیمه اول قرن هشتم  
می‌زیسته است. از کارهای او می‌توان از محراب امام زاده علی بن جعفر قم  
نام برد که اکنون در موزه ملی ایران قرار دارد، کتیبه محراب به تاریخ ۷۱۰  
هـ. ق. در موزه اسلامی قاهره و محراب به تاریخ ۷۱۰ هـ. ق. در مجموعه  
کورکیان، لوحه‌ی محراب امام زاده یحیی به تاریخ ۷۰۹ هـ. ق. در موزه  
ارمیثاژ دیده می‌شود. در مورد آثار مربوط به محمد بن ابی طاهر می‌خوانیم:  
محراب مرقد مطهر حضرت رضا (ع) به تاریخ ۶۱۲ هـ. ق. و کتیبه  
سردر حرم مطهر حضرت رضا (ع) در مشهد به تاریخ ۶۱۲ هـ. ق.  
کاشی‌های نقش‌دار (موزه مشهد) ۶۱۲ هـ. ق. محراب یحیی بن زید  
(قزنگی امام گرگان) در موزه ایران باستان و کاشی‌های مرقد حضرت  
معصومه (ع) به تاریخ ۶۰۲ هـ. ق. در قم.

کاشی‌کاری مرقد حضرت معصومه (ع) قدیمی‌ترین نمونه کاشی‌کاری  
موجود از این خاندان است. پوشش سطح فوقانی مرقد مطهر به لحاظ طرح و  
نقش و ساخت، شباهت کاملی با محراب‌های ساخت این خاندان دارد. طرح  
کاشی‌های فوقانی مرقد به صورت محرابی کامل و از خشت‌های مختلف  
کاشی تشکیل شده است. ترکیب نقوش و رنگ‌ها و کتابه‌ها و تزیینات این  
سطح که بیش از شش متر مربع است درجه استادی و تسلط سازنده کاشی‌ها را  
می‌رساند. بر کاشی‌های سطح فوقانی مرقد شش کتابه وجود دارد.<sup>۸</sup>

کتابه حاشیه اول: بر حاشیه خارجی و به خط لاجوردی برجسته ثبت است



پژوهش‌های کاشی‌کاری در سده‌های گذشته از جنبش خیمه‌سنگ، سده سیزدهم / هفتم.

نقاش، سیدرکن الدین و دیگران نام برد. ابوزید، کاشی‌ساز و نقاش چیره دست کاشانی که از بستگان خاندان ابوطاهر بوده و در نیمه دوم قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم می‌زیسته است، آثار زیبایی به وجود آورده که از جمله می‌توان به محراب حرم مطهر حضرت رضا (ع) کاشی‌زرین فام، محراب کاشی‌مینایی و زرین فام میرعماد (مسجد میدان) کاشان اشاره کرد.

این محراب در اوایل قرن چهاردهم هجری به انگلستان برده شده و سپس به بخش اسلامی موزه برلین انتقال یافته است. این محراب با همکاری حسن بن عربشاه ساخته شده است.

همچنین از وی مجموعه‌ای است از کاشی‌های زرفام در بخش اسلامی موزه قاهره با تاریخ ۶۰۹ ه.ق. و یک ستاره تصویردار با تاریخ ۶۰۰ ه.ق. استاد جمال نقاش کاشانی نیز که طراح و کاشی‌تراش برجسته‌ای بوده از شاگردان محمد بن ابی‌طاهر کاشی‌ساز است. از کارهای او می‌توان به قطعه کاشی هشت گوش اشاره کرد که در موزه قم موجود است و تاریخ ۷۳۸ ه.ق. دارد با رقم: «بکارخانه سید الساده سیدرکن الدین محمد بن المرحوم سید زرین الدین علی الغضائری عمل استاد الاجل المحترم استاد جمال نقاش»<sup>۱</sup>

از آثار حسن بن عربشاه نیز که در قرن هفتم می‌زیسته محراب مسجد میدان کاشان (عمادی) است به تاریخ ۶۲۳ ه.ق. که اکنون در موزه برلین است. بخشی از کتیبه محراب همین مسجد که با خطوط برجسته نوشته شده و زمینه‌ی کاشی دارای نقوش اسلیمی و تصاویری از پرندگان می‌باشد و رقم «حسن بن عربشاه النّقاش» دارد از دیگر کارهای اوست.

در مورد محراب مسجد میدان باید گفت که اکنون در جای خود نیست و می‌توان گفت امروزه هیچ‌یک از آثار این خاندان و شاگردان آن، در کاشان و در اماکن متبرکه موجود نیست.

عبدالفار نجم‌الدوله که در سال ۱۲۹۹ ه.ق. از تهران به خوزستان عازم بود در مسیر خود به کاشان از این محراب یاد می‌کند و می‌نویسد: «کاشان شهر آبادی است. آثار قدیمه نیز از مساجد و بعضی ابنیه دیده شد، بازار مسگری معتبری دارد. کاشی‌های برجسته و معرق خوب در محراب مسجدی دیدیم، خیلی تماشایی و معتبر است و فرنگی‌ها همان را اقلاد و هزار تومان می‌خرند و حیف که آخر بهر تدبیر باشد خواهند ربود!»<sup>۲</sup>

در مورد این محراب نکته‌ای را باید مورد توجه قرار داد:

تصویر دو قطعه کاشی که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن نگهداری می‌شود

با نام حسن بن عربشاه النّقاش در بخش لوحه‌های مندرج در کتاب عرایس الجواهر و نفایس الاطیاب به عنوان بخشی از کتیبه محراب مسجد میدان کاشی معرفی شده است که درست نیست، زیرا در پای محراب مذکور نام سازنده آن «عمل الحسن بن عربشاه» بدون لقب آمده است و در تصویر محراب نیز کاملاً مشهود است. در صورتی که در دو قطعه کاشی معرفی شده مذکور نام سازنده آن که همین حسن بن عربشاه است، بالقب النّقاش آمده است. و به علت نبودن جا در پای محراب مسجد میدان، سازنده ناچار لقب خود را نیاورده است. آنچه مسلم و قطعی است، سازنده این دو اثر یعنی محراب و دو قطعه کاشی، همان حسن بن عربشاه النّقاش است. و تردیدی در آن نیست و به یقین این دو قطعه کاشی مربوط به کتیبه و یا محرابی دیگر بوده که این هنرمند ساخته است.<sup>۱</sup>

در پایان گفتنی است شهر کاشان که زمانی سازنده‌ی این هنر و هنرهای دیگری بوده است، آثار و میراثش در طول سال‌ها به یغما رفته است، به ویژه آثاری که در غائله نایب حسین و نامنی و هرج و مرج ناشی از آن توسط دزدان و استعمارگران به موزه‌های خارجی راه یافت.

در نیمه قرن هشتم سفالگری گسترده کاشان رو به افول نهاد اما تکنیک زرین فام همچنان ادامه یافت و به ویژه در قرن یازدهم که این تکنیک در ظروف خودنمایی کرد، از جمله دو تکه از کاشی‌های زرین فام دوره صفویه که یکی در موزه بریتانیا و دیگری در موزه ویکتوریا آلبرت است. در قرن سیزدهم نیز سفالگران ایرانی تولید کاشی‌های زرین فام به سبک کاشان را مجدداً آغاز کردند. هنوز هم هستند کسانی که ماهرانه نقش‌ها از دل کاشی بیرون می‌آورند، با چه صبوری و تحملی که وصالی کنند صحنه‌های کاشی کاری شده دست استادانشان را، که نکند بر چهره پرنقش و رنگ کاشی‌ها ملالی نشیند. ای کاش به ثبت تجربه‌های استادان این هنر بنشینیم، و حرف‌های بسیارشان را بشنویم.

### منابع:

- ۱- خاندان ابی‌طاهر کاشانی آفرینندگان محراب‌های زرفام. مهدی صدی، فصلنامه‌ی هنر، ۱۳۶۷، شماره ۱۵
- ۲- کاشی‌های اسلامی. ونیتا پورتر، ترجمه‌ی مهناز شایسته‌فر، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۳۳
- پی‌نوشت‌ها:
  - ۱- پوپ، ا. اپهام. شاهکارهای هنر ایران، بنگاه صفی علی شاه، ۱۳۳۹،
  - ۲- یاقوت جغرافی‌دان قرن هفتم هجری
  - ۳- پورتر، ونیتا. کاشی‌های اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۳۳
  - ۴- همان، ص ۳۴
  - ۵- منظور عرایس الجواهر و نفایس الاطیاب. ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد بن ابی‌طاهر القاشانی مورخ و دانشمند معاصر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است که در سال ۷۰۰ هجری قمری آن را تألیف کرده است. وی در کتاب خود، این خاندان را تا ابی‌طاهر که جد وی بوده نام می‌برد.
  - ۶- بلر، شیلا و بلوم، جانانان. هنر و معماری اسلامی (۲)، ترجمه یعقوب‌آزند، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، ص ۴۹
  - ۷- پورتر، ونیتا. کاشی‌های اسلامی، ص ۴۸
  - ۸- صدی، مهدی. خاندان ابی‌طاهر کاشانی آفرینندگان محراب‌های زرفام. فصلنامه هنر، ۱۳۶۷، شماره ۱۵، ص ۳۴
  - ۹- سردی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، انتشارات هیرمند، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸
  - ۱۰- سفرنامه خوزستان. به تصحیح محمد دبیرسیاقی، کتابفروشی علمی، ۱۳۴۲
  - ۱۱- صدی، مهدی. همان، ص ۳۹